

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بررسی دو روایت قبل

از دو روایتی که تا به حال بررسی شد، ملاحظه فرمودید که نتوانستیم وجوب شرعی مولوی احتیاط را استفاده کنیم. اکنون ببینیم آیا از این دو روایت که می خوانیم این معنا استفاده می شود که بر انسان مکلف لازم است در باب نکاح یا فروج و دماء احتیاط کند به لزوم شرعی مولوی یا خیر؟

روایت سوم

یک روایت در وسائل، ج 14، باب 18، ص 223، ح 1، معتبره ابی بصیر «قال سألت أبا جعفر(ع) عن رجل تزوج امرأة فقالت أنا حبلي و أنا أخت من الرضاعة و أنا علي غير عدة، قال: فقال(ع) ان كان دخل بها و واقعها فلا يصدّقها و ان كان لم يدخل بها و لم يواقعها فليختبر» در بعضی از نسخه ها دارد «فليهند ويسأل اذا لم يكن عرفها قبل ذلك».

معنای روایت

در این روایت ابو بصیر از امام باقر(ع) سؤال می کند که یک مردی با زنی ازدواج می کند زن به مرد می گوید که «انا حبلي» من حامله هستم، معنایش این است که هنوز در عده شوهر سابقش است، تا وضع حمل نشود از عده خارج نمی شود، در نتیجه ازدواج تو با من باطل است، یا زن ادعا می کند که من خواهر رضاعی تو هستم «انا اختك من الرضاعة» یا زن ادعا می کند که «أنا علي عدة» در عده دیگری است، این مرد با زنی ازدواج می کند که این زن یکی از این امور را ادعا می کند سوال این است که آیا این ازدواج صحیح است یا نه؟ امام در جواب فرمودند که ان كان دخل بها و واقعها فلا يصدّقها، اگر مرد با او مواجهه کرده، بعد از دخول و مواجهه، زن یکی از این ادعاها را کرد نباید او را تصدیق کند، اما «وان كان لم يدخل بها و لم يواقعها» اگر به او دخول نکرده و مواجهه نکرده، اختار کند، یا در بعضی از نسخه های عبارت دارد «فليحتط» باید احتیاط کند «ويسأل» باید پرس و جو و تحقیق کند «اذا لم يكن عرفها قبل ذلك» اگر این زن را قبلاً نمی شناسد. یعنی اگر این زن را می شناسد و می داند که او خواهر رضاعی اش نیست و می داند او حامله نیست و دروغ می گوید یا می داند در عده دیگری نیست، اینجا نیازی به احتیاط و سوال نیست.

بررسی روایت

بحث این است که آیا می‌توانیم از این روایت استفاده کنیم که در چنین مواردی که مربوط به نکاح است احتیاط واجب است به وجوب شرعی مولوی؟ آیا در باب نکاح اگر انسان شک کرد که یک زنی خواهر رضاعی او هست یا نه، یک زنی در عده دیگری هست یا نه، می‌شود گفت که روایت دلالت دارد بر اینکه احتیاط، وجوب شرعی مولوی دارد؟ با توجه به اینکه اگر ما باشیم و اصول عملیه، زن می‌گوید «انا حبلی» ما شک می‌کنیم که حبلی است یا نه؟ استصحاب در اینجا حکم به عدم حبلی بودن او می‌کند. زن می‌گوید «انا اختک عن الرضاعة» استصحاب می‌گوید که این خواهر رضاعی تو نیست. با توجه به اینکه در چنین موارد شک، استصحاب موضوعی داریم، و استصحاب هم از ادله ای است که برای ما اعتبار دارد، با وجود این امام می‌فرماید «فلیحتط» باید احتیاط کند. آیا می‌توانیم بگوییم این روایت دلالت بر احتیاط وجوب شرعی دارد.

اینجا یک نکته ای که وجود دارد این است که روایت می‌گوید اگر زن چنین ادعایی کرد در یک صورت باید تصدیق نشود و در یک صورت باید احتیاط شود. نتیجه این می‌شود که چون زن ادعایی کرده است و این ادعا نسبت به یک اموری است که لا يعرف إلا من قبلها است، مثلاً می‌گوید انا حبلی، ممکن است این را فقط خودش بداند و کسی دیگر نداند، یک ظاهری در اینجا محقق می‌شود، آیا می‌توانیم بگوییم این از موارد تعارض ظاهر و اصل است؟

بعبارة اخري این روایت شامل جایی که زن چنین ادعایی ندارد نمی‌شود. اگر مردی می‌خواهد با زنی ازدواج کند و خود مرد فی نفسه شک می‌کند که آیا این خواهر رضاعی او است یا نه، زن هم چنین ادعایی را ندارد، آیا می‌توانیم بگوییم روایت این جا را هم شامل می‌شود؟ یا اینکه چون در این روایت زن ادعا کرده و ادعایی هم کرده است که لا يعرف عادة الا من قبلها است، یا اگر لا يعرف عادة إلا من قبلها نباشد خودش ادعایی است و این ادعا باید یک جور رفع شود. امام در جواب می‌فرماید اگر بعد از دخول، این حرفها را زد نباید او را تصدیق کرد. اگر زن ادعا می‌کند که من خواهر رضاعی هستم، بین قبل و بعد از دخول چه فرقی دارد؟ بعد از دخول که عنوان خواهر رضاعی بودن منتفی نمی‌شود.

عدم دلالت روایت بر مدعا

اینکه امام(ع) در روایت فرموده اند «ان کان دخل بها و واقعها فلا یصدقها»، از این «فلا یصدقها» می‌فهمیم که امام(ع) در مقام این هستند که حالا که این زن ادعایی دارد، بر این ادعا چه زمانی ترتیب اثر داده شود و چه زمانی ترتیب اثر داده نشود، اگر قبل از دخول است ترتیب اثر داده شود و اگر هم روایت دلالت بر وجوب شرعی احتیاط داشته باشد اما دلالت بر وجوب ابتدائی ندارد، روایت نمی‌گوید اذا شککت در اینکه این زن شوهر دارد یا نه، حامله است یا نه، اختک من الرضاعة است یا نه، اگر شک بدوی ابتدائی داشتید فلیحتط، روایت دلالت بر این معنا ندارد، در حالی که مدعا اینجا است. یعنی ما الان دنبال اثبات یا عدم اثبات این مدعی هستیم که احتیاط در باب نکاح، یک وجوب شرعی مولوی ابتدائی است، یعنی اینکه کسی در مقابلش ادعایی نکرده است، در حالی که در این روایت، امام(ع) وجوب احتیاط را بعد الإدعا مطرح می‌کند.

لذا ما می‌توانیم بگوییم ارتباطی با مدعی و ما نحن فیه ندارد. اکنون که ارتباط با ما نحن فیه ندارد، خود روایت می‌گوید حالا که این زن ادعایی کرده، این ادعا بالاخره از باب اقرار العقلاء است، اینجا چند قاعده مطرح است؛ یکی «اقرار العقلاء علی انفسهم» مطرح است، یکی «من ملک شيء ملک الاقرار به» مطرح است. اینجا مطرح نباشد یک ادعایی است این ادعا از نظر عقلایی در یک فرض ترتیب اثر بر آن داده می‌شود و در یک فرض ترتیب اثر داده نمی‌شود. در شرع هم همینطور است که شارع می‌گوید جایی که دخول و واقعه شده ترتیب اثر ندهید اما آنجایی که دخول نشده باید احتیاط شود. ملاحظه فرمودید که این روایت هم

روایت چهارم

روایت دیگر، روایتی است در ج 14 وسائل، ص 193، باب 157 از ابواب مقدمات نکاح، حدیث 2: «مسعدة بن زیاد از امام باقر(ع) یا امام صادق(ع) عن آبائه عن النبي(ص) قال: لا تجامعوا في النكاح علي الشبهة» یعنی دنبال نکاحی که شبهه دارد نروید «وقفوا عند الشبهة». لا تجامعوا یعنی جماع نکنید یا در نکاح بر شبهه جمع نشوید، و وقفوا عند الشبهة. پیغمبر می فرمود «يقول اذا بلغك عنك قد رضعت من لبنها و أنها لك محرّم و ما أشبه ذلك فان الوقوف عند الشبهة خير من الاقترام في الهلكة» آیا از این روایت وجوب شرعی احتیاط آن هم به نحو ابتدایی استفاده می شود؟ باز هم ملاحظه می فرمایید همان دقتی که در روایت قبل شد در اینجا هم هست . اگر ما باشیم و «قفوا عند الشبهة»، این شبهه اطلاق دارد. شبهه یعنی اگر شما خودتان هم ابتدا شک کردید این زن آیا خواهر رضاعی شما است یا نه، آیا شوهر دارد یا نه، قفوا عند الشبهة، ولی در همین روایت شبهه را معنا کرده، و فرموده شبهه این نیست که شما ابتدا شک کنید، شبهه یعنی «اذا بلغك انك قد رضعت من لبنها»، یعنی کسی به تو خبر داده که تو از لبن این زن شیر خورده ای، تو فرزند رضاعی این زن هستی، یا «بلغك عنك أنها لك محرّم و ما أشبه ذلك». اما اذا بلغك، یعنی اگر ادعایی یا خبری بود اینجا باید احتیاط کنی. اما اگر چنین خبری نبود و مرد خودش شک می کند که این زن خواهر رضاعی اش هست یا نه، شک می کند که این زن بر او حلال است یا نه، اصلاً شک می کند ممکن است این خواهر خودش است، فرض کنید پدر این مرد، زن و اولاد دیگری داشته است، این شامل این نمی شود. اگر ما بودیم و روایت «قف عند الشبهة» که همین بود و دنباله روایت نبود، می گفتیم شبهه اطلاق دارد، ابتدا هم اگر کسی شبهه داشته باشد او را هم شامل می شود، اما وقتی در دنباله روایت شبهه را تفسیر کرده و می فرماید «يقول اذا بلغك انك قد رضعت من لبنها و أنها لك محرّم» پس این روایت هم دلالت بر مدعی ندارد .

نتیجه بررسی روایات

عرض کردیم که روایات دیگر را ببینید. در روایات دیگر هم تصریح به این دارد که در موردی که شما شک دارید که این زنی که زوجه شما است آیا خواهر رضاعی شما است یا نه، به شکتان اعتنا نکنید . آن روایات در جایی است که شما شک ابتدایی دارید، این روایات در جایی است که دعوا و خبری در کار نباشد .

اصل اولی: اصالة البرائة

پس نتیجه این شد که اصل اولی در باب نکاح، اصالة البرائة عقلي و شرعی است . فروضی که در مورد تلقیح مصنوعی شروع می کنیم، هر جا دلیلی بر منع از آیات و روایات پیدا نکردیم برویم سراغ این اصالة البرائة العقلي و الشرعی. بله، اصالة الاحتیاط عقلا و شرعا خوب است، اما اینکه احتیاط، واجب شرعی باشد، ما دلیلی بر این پیدا نکردیم.

و صلى الله على سيدنا محمد وآله اجمعين.